یادداشت روز

پایان رؤیای «بزن و دررو»

حسن رشوند

دیدار روز شنبه نهم آبان فرماندهان ارشد نیروهای مسلح و فرمانده معظم کل قوا را از دو جهت باید بررسی کرد؛ یکی اینکه این دیدار اولین دیدار رسمی اعلام‌شده با ترکیب فرماندهان ارشد نظامی با حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی) است و از جنبه دیگر؛ در شرایطی این دیدار انجام شد که جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نظامی آن ۸ ماه است با تمام توان در مقابل دشمنان متجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی و دنباله‌های منطقه‌ای آن‌ها تا پای جان ایستاده‌اند. بنابراین، این دیدار را نباید در ردیف دیدارهای معمول و ادواری نظامی که همواره وجود داشته، طبقه‌بندی کرد. متن تدابیر ابلاغ‌شده، از یک «تغییر مرحله‌ای» در دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد؛ تغییری که می‌توان آن را در این گزاره راهبردی خلاصه کرد: دشمن شاید بتواند درباره آغاز تجاوز به ایران عزیز تصمیم بگیرد - که البته با توجه به شکست خفت‌باری که تاکنون متحمل شده از این پس در استفاده از همین گزینه نیز تردید وجود دارد-، اما هیچ‌گاه قادر نخواهد بود زمان، جغرافیا و شرایط پایان آن را تعیین کند.

فرمانده معظم کل قوا در این دیدار، پاسخ به هر سطح و نوعی از تهدید را «فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی» دانستند و تصریح کردند در صورت آغاز دوباره حملات نظامی یا تروریستی، نیروهای مسلح و ملت ایران زمان و شرایط پایان درگیری را تعیین خواهند کرد. هم‌زمان، فرماندهان ارشد نظامی از آمادگی در خلیج‌فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و مرزهای شمال‌غربی و جنوب‌شرقی و نیز تولید چندبرابری انواع مهمات و تجهیزات شناسایی، پشتیبانی و رزمی گزارش دادند. بنابراین، پیام این دیدار صرفاً یک هشدار لفظی یا مانور رسانه‌ای نبود، بلکه بر یک پشتوانه عملیاتی و میدانی استوار بود. در رابطه با این دیدار مهم و تدابیر رهبر معظم انقلاب چند نکته قابل‌ذکر است:

۱- در روزهایی که واشنگتن و تل‌آویو بار دیگر لاف در غربیی می‌زنند و از احتمال حمله و «ازسرگیری عملیات» سخن می‌گویند، رسانه‌های آمریکایی نیز گزارش داده‌اند که مقام‌های آمریکایی از برخی دولت‌های منطقه خواسته‌اند خود را برای احتمال اقدام نظامی جدید علیه ایران و پیامدهای پاسخ تهران آماده کنند. همچنین گزارش‌های دیگری از طراحی گزینه‌های مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی برای حمله مجدد پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا داده‌اند؛ هرچند میان داشتن گزینه نظامی، اراده سیاسی و توان مدیریت پیامدهای جنگ، فاصله بسیار است و دشمن اکنون بیش از هر زمان دیگری با همین فاصله دست‌به‌گریبان است، اما مهم‌ترین پیام این دیدار را می‌توان پاسخی عملیاتی به دشمنی دانست که احیاناً در سر سودای خیال‌های خام دیگری دارد.

۲- آمریکا و رژیم صهیونیستی در تبلیغات خود تلاش می‌کنند چنین وانمود کنند که همچنان قادرند با یک عملیات محدود، اهدافی مشخص را منهدم کنند و سپس، بدون پرداخت هزینه‌ای متناسب، صحنه درگیری را ترک نمایند. تدبیر جدید فرمانده معظم کل قوا دقیقاً همین توهم را هدف گرفته است. «پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی» یعنی جغرافیای پاسخ ایران را جغرافیای تجاوز دشمن، شبکه پشتیبانی آن و نوع دارایی‌های به‌کارگرفته‌شده تعیین می‌کند؛ نه خطوط قرمزی که طراحان جنگ در پنتاگون یا اتاق عملیات تل‌آویو برای مصون نگه‌داشتن خود ترسیم کرده‌اند.

۳- مفهوم بازدارندگی، با داشتن سلاح به‌تنهایی محقق نمی‌شود. بازدارندگی هنگامی شکل می‌گیرد که دشمن به سه موضوع یقین پیدا کند: نخست؛ ایران توان شناسایی منشأ تهدید را دارد. دوم؛ اراده پاسخ‌گویی آن قطعی است و سوم؛ پاسخ ایران از نظر زمان، مکان و نوع هدف برای دشمن قابل‌مهار و پیش‌بینی نیست. تأکید رهبر عظیم‌الشأن انقلاب بر «آمادگی رزمی هوشمندانه»، «تقویت معماری اطلاعات نظامی»، «تعمیق دفاع بومی» و «به‌روزرسانی بانک اهداف»، اجزای همین معادله سه‌گانه است که در این دیدار ترسیم شده است و در روزی که خبر دیدار با فرماندهان ارشد نظامی و تدابیر معظم‌له به نیروهای مسلح منتشر می‌شود برای اولین بار در تاریخ انقلاب اسلامی پیامی به مناسبت سالروز «عملیات ذوالفقاری» در نهم آبان ۱۳۵۹ در آبادان و عوامل فتح و پیروزی ملت ایران و هوشیاری و ایستادگی ملی به‌عنوان رمز غلبه بر دشمن متجاوز صادر می‌شود و مقابله روزهای اول دفاع مقدس ملت ایران با دفاع مقدس سومی که ۸ ماه است با حضور نزدیک به ۲۵۰ شب تجمع خیابانی این ملت انجام شده، نشان از پیوند عمیق نیروهای مسلح در میدان و «تعمیق دفاع بومی» این ملت به‌عنوان راهبرد دفاعی کشور دارد.

۴- تعبیر «دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن» نیز باید با دقت مورد مطالعه قرار گیرد. دارایی دشمن فقط ناو، پایگاه هوایی، انبار مهمات یا مرکز فرماندهی نیست. اعتبار سیاسی، شبکه فرماندهی و کنترل، سامانه‌های ارتباطی، زیرساخت‌های اطلاعاتی، توان حمایت از متحدان، امنیت سرمایه‌گذاری و تصویر قدرت شکست‌ناپذیر نیز بخشی از دارایی‌های راهبردی دشمن محسوب می‌شود. وقتی بانک اهداف، همه این سطوح را دربرگیرد، طراح تجاوز نمی‌تواند هزینه جنگ را به چند هدف نظامی یا یک منطقه جغرافیایی محدود کند.

۵- گزارش‌های رسمی آمریکا خود حاکی از آن است که ایران، با وجود خسارت‌های واردشده، همچنان هزاران موشک و پهپاد در اختیار دارد که قادرند نیروها و شرکای واشنگتن را در سراسر منطقه مورد آماج حملات برق‌آسای خود قرار دهند. گزارش‌های کنگره آمریکا همچنین از فشار واردشده بر ذخایر مهمات این کشور و بروز مشکلاتی در ظرفیت تولید این تسلیحات حکایت دارند . به بیان روشن‌تر، آنچه در تبلیغات دشمن «انهدام توان ایران» معرفی می‌شود، در ارزیابی‌های داخلی خود آمریکایی‌ها به‌عنوان یک تهدید پابرجا و پرهزینه شناخته می‌شود و ایران اسلامی از این دارایی و امکانات مهم برخوردار است و دیدار فرماندهان ارشد نظامی کشور و تدابیر فرمانده معظم کل قوا نشان می‌دهد برای استفاده از این امکانات و دارایی‌ها، جمهوری اسلامی حتماً برنامه منسجم دارد. از این‌رو، رجزخوانی‌های تازه واشنگتن و تل‌آویو را نباید نشانه اعتمادبه‌نفس آن‌ها دانست. بخش مهمی از این تهدیدها تلاشی برای بازسازی هیمنه پوشالی ازدست‌رفته، تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و تحمیل جنگ روانی بر جامعه ایران است. دشمنی که در دستیابی به پیروزی سریع ناکام مانده، ناگزیر است شکست راهبردی خود را با عملیات روانی، تهدیدهای مبهم و بزرگ‌نمایی توان نظامی بپوشاند.

۶- اما در اینجا یک تفاوت بنیادین بین ما با دشمن وجود دارد. اینکه ایران امروز فقط با اتکا به موشک، پهپاد یا توان دریایی خود سخن نمی‌گوید. مهم‌ترین پشتوانه بازدارندگی ایران، پیوند میان «میدان نظامی» و «میدان مردمی» است. حضور هشت‌ماهه مردم در صحنه و ۲۴۵ شب ایستادگی پیوسته مردم در خیابان‌ها، نشان داد محاسبه دشمن درباره شکاف میان مردم و مدافعان کشور، محاسبه‌ای وارونه بوده است. گزارش‌های منتشرشده نیز از تداوم این حضور شبانه به‌عنوان نمادی از استقامت اجتماعی حکایت دارد. این همان نقطه‌ای است که دستگاه محاسباتی دشمن بارها در فهم آن شکست خورده است. دشمن گمان می‌کرد فشار نظامی، تحریم اقتصادی، جنگ شناختی و تحریک مزدوران داخلی، مردم را از این نظام و دفاع از آن در کنار نیروهای نظامی جدا خواهد کرد؛ اما نتیجه معکوس شد. همان مردمی که از گرانی، ضعف مدیریت، تبعیض و برخی نابسامانی‌های اقتصادی گله‌مندند، در برابر متجاوز خارجی در کنار پرچم، خاک و نیروهای مسلح خود ایستاده‌اند. این تفکیک هوشمندانه میان «مطالبه‌گری داخلی» و «مقابله با دشمن خارجی»، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی و امنیت ملی ایران عزیز است که از امام شهید به ارث مانده است.

۷- پیوند میان ملت ایران با نیروهای مسلح، در سطح منطقه نیز با «وحدت ساحات» تکمیل می‌شود. مقاومت در لبنان، یمن، عراق، فلسطین و دیگر جغرافیاهای منطقه، واحدهای یک ارتش کلاسیک نیستند که از یک اتاق فرمان اداره شوند؛ بلکه ملت‌هایی هستند که تجربه مشترکی از اشغال، تحقیر، مداخله خارجی و سلطه‌طلبی آمریکا و رژیم صهیونیستی دارند. ارزش راهبردی این جبهه در همین تکثر جغرافیایی و وحدت هدف نهفته است. وحدت ساحات به این معناست که دشمن نمی‌تواند یک جبهه را منزوی و سپس آن را به‌تنهایی نابود کند. هرگونه توسعه جنگ، می‌تواند زنجیره‌ای از واکنش‌ها را در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، دریایی، اطلاعاتی و اجتماعی فعال کند. گزارش‌ها از آماده‌باش بازیگران منطقه‌ای و احتمال گسترش پاسخ‌ها در صورت حمله جدید نیز نشان می‌دهد که حتی تحلیلگران خارجی، جنگ با ایران را یک نبرد محدود و قابل‌محصور نمی‌دانند. کما اینکه امروز این هماهنگی را در یمن قهرمان و حزب‌الله همیشه پیروز شاهد هستیم.

بقیه در صفحه ۷

عطوان: اگر اشتباه کنید حتی «مادر بمب‌ها» هم شما را نجات نخواهد داد

سردبیر رأی‌الیوم نوشت: اگر میلیون‌ها شهرک‌نشین صهیونیست در طول جنگ اول در ژوئن ۲۰۲۵ مجبور بودند کل ۱۲ روز این جنگ را در پناهگاه‌ها و تونل‌های قطار بمانند، این بار باید از طریق دریا به قبرس و یونان فرار کنند، اما هیچ چیز حتی «مادر بمب‌ها»ی آمریکایی هم آنها را نجات نخواهد داد.

عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه فرامنطقه‌ای رأی الیوم و تحلیلگر برجسته فلسطینی سرمقاله جدید این روزنامه الکترونیکی را به بازخوانی دستور حضرت آیت‌الله سیّد مجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده معظّم کل قوا به فرماندهان ارشد نیروهای مسلح درباره پاسخ فوری بدون محدودیت جغرافیا به تهدید دشمن اختصاص داده نوشت: تجربیات هشت ماه گذشته از درگیری ایران و آمریکا به ما آموخته است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، هرگز تهدیدهای خود را برای انجام حملات قدرتمند علیه ایران عملی نکرده است.

عطوان افزود: ترامپ اغلب، ساعت‌ها و گاهی اوقات چند دقیقه قبل از شروع این تهدیدها، از آنها عقب‌نشینی کرده است، از این منظر، به افشاگری‌های رسانه‌های اسرائیلی که روز شنبه اعلام کردند ترامپ قصد دارد حملات به ایران را چهارشنبه آینده، یک روز پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، با مشارکت اسرائیل از سر بگیرد، می‌پردازیم. در ادامه این مقاله آمده است: این گزارش‌های رسانه‌های صهیونیستی همزمان با اعلام وضعیت آماده‌باش بالای ارتش اسرائیل و ایجاد یک پل هوائی توسط ارتش آمریکا در روزهای اخیر جهت تأمین موشک‌های رهگیر و تجهیزات نظامی لازم برای صهیونیست‌ها، منتشر می‌شود.

نشانه‌های احتمال تشدید تنش‌ها در روزهای آینده

بر اساس این یادداشت، سه احتمال وجود دارد که می‌تواند به این افشاگری‌ها اعتبار ببخشد و آنها را به‌شرح زیر خلاصه می‌کنیم:

اول: دستور صادرشده توسط آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران که در آن به نیروهای مسلح این کشور دستور داده شده است بدون «محدودیت جغرافیایی» به تهدیدات آمریکا و اسرائیل پاسخ دهند و این‌که «اگر دشمنان حمله خود را آغاز کنند، نیروهای مسلح و مردم ایران زمان و چگونگی پایان آن را تعیین خواهند کرد».

دوم: ازسرگیری تلاش‌های قطر برای میانجی‌گری میان آمریکا و ایران و آخرین تلاش‌ها برای احیای مذاکرات و جلوگیری از تقابل نظامی، این در حالی است که منابع قطری هیچ اظهارنظری در مورد نتایج این تلاش‌ها نکرده‌اند. این میانجی‌گری دوحه بعد از ارسال نامه جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا به سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی ایران است که حاوی پیشنهاد جدید ایالات متحده برای احیای مذاکرات بود.

سوم: نشانه سوم هم این است که طی روزهای گذشته وضعیت اضطراری میان ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های جنگی آمریکا در دریای عرب و اقیانوس هند و نیز پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در اردن و کشورهای خلیج‌فارس اعلام شده است، در همین حال ارتش رژیم صهیونیستی هم در وضعیت آماده‌باش قرار دارد.

سردبیر روزنامه رأی الیوم خاطرنشان کرد: بنابراین ۵ روز آینده تعیین‌کننده خواهد بود و نشان می‌دهد که وضعیت قرار است به صلح ختم شود یا جنگ. در این میان نتایج اولیه انتخابات میان‌دوره‌ای ایالات متحده احتمالاً تعیین‌کننده‌ترین عامل خواهد بود.

نویسنده این مقاله تصریح کرد: ما فکر نمی‌کنیم در صورت موفقیت حزب جمهوری‌خواه در حفظ اکثریت در سنا و مجلس نمایندگان، تشکیلات سیاسی و نظامی آمریکا به ترامپ اجازه دهند جنگ با ایران را از سر بگیرد و شاید به همین دلیل است که او اجرای تهدیدات خود را تا پس از این انتخابات حیاتی به تعویق انداخته است، کاهش قیمت نفت و طلا در دو روز گذشته این فرضیه را تأیید می‌کند.

پیام‌های دستور روشن رهبر انقلاب درباره پاسخ بدون محدودیت به تهدیدات دشمن

عطوان ادامه داد: وقتی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران به فرماندهی نظامی این کشور دستور می‌دهد که بدون محدودیت جغرافیایی به تهدیدات آمریکا پاسخ داده شود و این‌که ایشان تأکید دارند؛ نیروهای مسلح و ملت ایران، زمان و همچنین شرایط پایان جنگ را تعیین می‌کنند، این نشان می‌دهد که رهبری و تشکیلات نظامی ایران هیچ هراسی از جنگ جدید با دشمن آمریکایی ـ صهیونیستی ندارند و کاملاً برای آن آماده هستند.

بر اساس این مقاله، تأکید و تمرکز بر پاسخ به تجاوزات دشمن بدون محدودیت جغرافیایی، به‌معنای گسترش دامنه این رویارویی و حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا در سراسر جهان با استفاده از موشک‌های پیشرفته با برد بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر است.

عبدالباری عطوان تصریح کرد: نکته مسلم این است که در روزهای آینده ترامپ دو بار شکست بزرگی خواهد خورد؛ اول در انتخابات میان‌دوره‌ای و دوم در هرگونه رویارویی با ایران. ایران ثابت کرده است که هیچ ترسی از جنگ ندارد و کاملاً برای آن آماده است؛ همان‌طور که از هیچ یک از شروط خود از جمله در مورد برنامه هسته‌ای عقب‌نشینی نکرده است و حاضر به امتیاز دادن نیست.

ایران کاملاً آماده جنگ است و صهیونیست‌ها بهای سنگینی خواهند پرداخت

در ادامه این یادداشت آمده است: ایران قبل از شروع هر نوع مذاکره‌ای بر ۷ پیش‌شرط خود تأکید داشته و حاضر نشده است به دشمن امتیاز بدهد. حملات مکرر به نفتکش‌ها در تنگه هرمز و غرق‌کردن آنها توسط موشک‌های ایران، این واقعیت را ثابت می‌کند.

به گزارش تسنیم، نویسنده این یادداشت خاطرنشان کرد: اما در مورد بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر، به‌نظر می‌رسد که او بعد از اجتناب از جنگ در چند ماه گذشته، مشتاق است دوباره جنگ جدیدی با ایران به‌راه بیندازد، اما در این جنگ، بهای سنگین و غیر قابل تصوری خواهد پرداخت.

در پایان این مقاله تأکید شده است که موشک‌های فوق‌سنگین و پیشرفته ایرانی، لبنانی و یمنی می‌توانند اکثر شهرهای فلسطین اشغالی، از تل‌آویو تا حیفا و دیمونا، محل راکتور هسته‌ای اسرائیل، را نابود کنند. اگر میلیون‌ها شهرک‌نشین صهیونیست در طول جنگ اول در ژوئن ۲۰۲۵ مجبور بودند کل ۱۲ روز این جنگ را در پناهگاه‌ها و تونل‌های قطار بمانند، این بار باید از طریق دریا به قبرس و یونان فرار کنند، اما هیچ چیز حتی «مادر بمب‌ها»ی آمریکایی هم آنها را نجات نخواهد داد.

جزئیاتی درباره چگونگی فرار «بولسونارو» از برزیل پای موساد در میان بود

سی‌ان‌ان فاش کرد که دولت‌های آمریکا و آرژانتین و یک جاسوس سابق موساد در فراری دادن غیرقانونی «فلاویو بولسونارو»، متحد آمریکا و رژیم صهیونیستی، از این کشور پس از شکست در انتخابات دست داشته‌اند.

شبکه آمریکایی «سی‌ان‌ان» جزئیاتی از عملیات محرمانه و سازمان‌یافته فرار «فلاویو بولسونارو»، پسر ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور پیشین برزیل، و خانواده‌اش برای خروج از این کشور پس از شکست در انتخابات و رفتن به آرژانتین و سپس انتقال به آمریکا را فاش کرد. در این عملیات، افرادی از دست‌کم دو کشور مشارکت داشته‌اند و یک مأمور سابق سرویس جاسوسی موساد نیز در این زمینه نقش داشته است.

روزنامه «اسرائیل هیوم» روز شنبه به نقل از گزارش تحقیقی نسخه برزیلی شبکه سی‌ان‌ان نوشت که فلاویو سه‌شنبه گذشته به همراه همسر و دو دخترش، از طریق دو خودروی تجاری جداگانه از برزیل خارج شده است. آن‌ها برای عبور از مرز از پل «تانکردو نوس» استفاده کردند؛ پلی که شهر «فوز دو ایگواسو» در برزیل را به شهر پوئرتو ایگواسو در آرژانتین متصل می‌کند.

بر اساس این گزارش، مقام‌های برزیلی با استفاده از دوربین‌های نظارتی توانستند شماره پلاک دو خودرو را شناسایی کنند. راننده یکی از خودروها، عضو سابق شورای شهر «فوز دو ایگواسو» بود که شخصاً «فلاویو» را جابه‌جا کرد. خودروی دوم را پسر او رانندگی می‌کرد و همسر بولسونارو و دو دخترش را منتقل کرد. به گزارش مهر، یکی از مهم‌ترین نکات مطرح‌شده در گزارش سی‌ان‌ان، مشارکت یک مأمور سابق موساد با تابعیت آمریکایی است که در ۱۹ اکتبر (۲۷) جاری وارد برزیل شد و پس از شکست بولسونارو در کارزار انتخاباتی، فلاویو را در سفر از پایتخت، برازیلیا، به آرژانتین همراهی کرد. این مأمور سابق هنگام عبور از مرز، در همان خودرویی حضور داشت که فلاویو سوار آن بود. خانواده بولسونارو نیز پس از ورود به آرژانتین، از مقام‌های دولت خاویر میلی که یکی از متحدان آمریکا و رژیم صهیونیستی در آمریکای لاتین است، کمک دریافت کردند. خانواده وی پس از رسیدن به شهر پوئرتو ایگواسو، سوار یک فروند هواپیمای خصوصی از نوع «گلف‌استریم» متعلق به شرکت هواپیمایی خصوصی آرژانتینی «بایرس فلای» شدند. این هواپیما با شماره ثبت LV-JQW برای سوخت‌گیری در شهر گوایاکیل اکوادور توقف کرد و سپس پرواز خود را به‌سوی فرودگاه خصوصی «وبا لوکا» در شهر میامی، ایالت فلوریدا آمریکا، ادامه داد.

سی‌ان‌ان به نقل از مقام‌هایی در دولت برزیل گزارش داد اطلاعات جمع‌آوری‌شده نشان می‌دهد این عملیات از حمایت نهادهای دولتی و افرادی در آرژانتین و آمریکا برخوردار بوده است. این مقام‌ها از این عملیات با عنوان «صادرات مخفیانه» یاد کردند؛ اصطلاحی که به انتقال عمدی و محرمانه یک فرد یا اطلاعات، بدون مجوز، از منطقه‌ای تحت کنترل اشاره دارد. همچنین منابعی از سه نهاد برزیلی اعلام کردند ارائه اطلاعات متناقض در چارچوب این طرح با هدف گمراه کردن مقام‌ها و منحرف کردن توجه آن‌ها به سمت مکانی مشخص انجام شده بود؛ در حالی که خروج واقعی از کشور از مسیر دیگری صورت گرفت. این گزارش تأکید کرد که خروج فلاویو و خانواده‌اش اقدامی ناگهانی و در آخرین لحظه نبوده، بلکه بخشی از طرحی بین‌المللی و گسترده بوده است که بنا بر گزارش منتشرشده، «عملیات آلبا» نام داشته است. در همین ارتباط، پلیس فدرال برزیل در حال بررسی درخواست دادگاه عالی برای مسدود کردن دارایی‌های فلاویو، از جمله حساب‌های بانکی او است. وزارت دادگستری نیز منتظر دریافت گزارش پلیس درباره خروج او از کشور و بررسی این موضوع است که آیا وی دستور قضایی را نقض کرده است یا خیر؛ اقدامی که مقدمه بررسی امکان فعال‌سازی سازوکارهای رسمی همکاری بین‌المللی خواهد بود. بر اساس این گزارش، «فلاویو بولسونارو» تنها سه روز پس از شکست در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل، در حالی وارد میامی شد که با دستور دیوان عالی این کشور برای تحویل گذرنامه‌ها و ممنوعیت خروج از برزیل مواجه بود. شکست وی در انتخابات ضربه سنگینی به ترامپ و نتانیاهو در منطقه آمریکای لاتین محسوب می‌شود.

خبر ویژه

نظم جدید منطقه
به وقت تهران تنظیم می‌شود!

پس از آنکه ترامپ قمارباز در دو جنگ اخیر، به صخره سخت مقاومت ملت مبعوث و نیروهای مسلح غیور برخورد کرد و افتضاحی بزرگ برای ماشین جنگی واشنگتن به بار آورد، عینک واقع‌بینی بر چشم ناظران منصف جهان نشست. امروز حتی تحلیلگران غربی نیز از «ابرقدرتی» و «آقایی» ایران سخن می‌گویند که نظم جدیدی را بر شریان حیاتی انرژی جهان، یعنی تنگه هرمز، حاکم کرده است.

ترکش‌های تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی برآمده از این اقتدار، اکنون به قلب اروپا و آمریکا رسیده و اندیشکده‌های صهیونیستی نیز به ناچار اعتراف کرده‌اند که رؤیای «تغییر نظام در ایران»، پلی بیش از حد دور و دست‌نیافتنی است.

در این میان، یاوه‌گویی‌های ترامپ جنایتکار و داروودسته‌اش چیزی جز جنگ روانی مصرف‌زده نیست. آمریکایی‌ها خوب می‌دانند که نه از تهدیدهای پوشالی نتیجه‌ای گرفته‌اند و نه دیگر با تله‌های میانجی‌گرانه، آبی برایشان گرم می‌شود و قیمت نفت پایین می‌آید. همان‌طور که دبیر شورای عالی امنیت ملی تأکید کرد، ایران از مذاکرات شکست‌خورده اسلام‌آباد عبور کرده است.

معما برای کاخ سفید دیگر انتخاب میان «بد و بدتر» نیست؛ بلکه انتخاب میان «بدتر و بدترین» است. هضم این حقیقت برای نظام سلطه دشوار است که جمهوری اسلامی، امروز قوی‌تر از همیشه بر گلوگاه انرژی جهان سیطره افکنده و در چشم جهانیان، به یک «برقدرت نظامی میدان‌دیده» تبدیل شده که ابهت پوشالی آمریکا و صهیونیست‌ها را در هم شکسته است.

نمونه بارز این اعترافات را می‌توان در اظهارات «کریس مورفی»، سناتور آمریکایی دید که صراحتاً اعلام کرد: «ایران پس از پایان این جنگ، به‌شکلی بنیادین قدرتمندتر از گذشته در صحنه منطقه‌ای ظاهر خواهد شد و تمام کشورهای حوزه خلیج فارس ناگزیرند با این واقعیت مواجه شوند... تضمین‌های امنیتی آمریکا در آستانه منسوخ شدن است و تنها راه صیانت از منافع این کشورها، تعامل دیپلماتیک تنگاتنگ با ایران است.»

همچنین، اندیشکده صهیونیستی «راهبرد و امنیت قدس» (JISS) به قلم «افرایم اینبار»، صراحتاً به ناکامی محاصره دریایی و حملات نظامی در حل معضل ایران اعتراف کرده و بر باد رفتن رؤیای برانداز را فریاد زده است.

حضور نمایندگان خارجی و ابراز نگرانی‌هایشان بابت جنگ جدید و پاسخ قاطع ایران به «عدم محدودیت جغرافیایی»، این پیام را می‌رساند که معادلات منطقه دیگر در واشنگتن یا تل‌آویو رقم نمی‌خورد، بلکه سران منطقه باید ساعت‌های خود را به وقت تهران تنظیم کنند!

واگذاری مؤلفه‌های قدرت
به امید لبخند کدخدا!

تازه‌ترین تقلاهای جریان همسو با غرب برای بازتولید خط تسهیل «تسلیم» در حالی با رپرتاژ آگهی روزنامه‌های زنجیره‌ای جریان مدعی اصلاحات کلید خورده که بانیان خسارت، این بار نیز در پوشش «اصلاح موضع» به دنبال گره زدن معیشت و امنیت کشور به خیمه‌شب‌بازی‌های واشنگتن افتاده‌اند.

محمدجواد ظریف در مصاحبه اخیر خود با ادعای اینکه «اگر شرایط تغییر کند، اصلاح موضع، ضعف نیست؛ پافشاری بر تصمیم اشتباه هزینه دارد»، تلاش کرده تا راه را برای نسخه جدیدی از امتیازدهی هموار کند؛ غافل از اینکه هزینه واقعی را نه در پافشاری بر حقوق ملت، بلکه در همین «اصلاح موضع‌های» تسلیم‌طلبانه باید جست‌وجو کرد.

او در حالی از لزوم «طراحی سازوکارهای راستی‌آزمایی» سخن می‌گوید که باید از او پرسید وقتی خود شما اعتراف می‌کنید «در روابط بین‌الملل تضمین مطلق وجود ندارد»، چطور دوباره با گره زدن همه چیز به امضای یک قمارباز بدعهد، پیشنهاد می‌دهید که ایران برای جلب رضایت دشمن از ابزارهای قدرت خود عقب‌نشینی کند؟

این تناقض آشکار دقیقاً همان نقطه‌ای است که نشان می‌دهد نسخه جدید آقایان برای «پر کردن دست ترامپ»، معنایی جز خالی کردن دست ملت ایران و به حراج گذاشتن مؤلفه‌های بازدارندگی ندارد.

تکرار این فرمول شکست‌خورده با این توجیه که «سیاست خارجی میدان تعصب نیست، میدان انتخاب میان گزینه‌های واقعی است»، پاک کردن صورت مسئله است؛ چرا که در منطق استوار مقاومت، انتخاب میان گزینه‌ها به معنای تسلیم در برابر زیاده‌خواهی نیست.

ظریف در حالی نسبت به تجمعات و انسجام ملی هشدار می‌دهد و مدعی است «طرف مقابل ممکن است چنین تجمع‌هایی را نشانه شکاف داخلی تعبیر کند» که دقیقاً همین اظهارات و تئوری‌پردازی‌های وادادگی است که با ایجاد دودستگی، به دشمن سیگنال ضعف می‌دهد و محاسبات او را برای اعمال فشار بیشتر تشویق می‌کند. مرز میان دیپلماسی عزتمندانه و دیپلماسی ذلت‌بار همین‌جاست؛ جایی که پیاده‌نظام جریان تسلیمی به‌جای درس گرفتن از خسارت‌های برجام، همچنان دراز کردن دست تمنا به سمت کدخدا را نسخه نجات کشور می‌پندارند، غافل از اینکه اراده پولادین ملت مبعوث با این بازی‌های رسانه‌ای هرگز به عقب بازنخواهد گشت!

دامنه تبعات جنگ با ایران
به «کره جنوبی» رسید

پس از افزایش قیمت سوخت و حامل‌های انرژی در آمریکا و خالی ماندن قفسه‌های فروشگاه در ایتالیا، تبعات اقتصادی جنگ با ایران به شرق آسیا و کره جنوبی رسید؛ جایی که افزایش هزینه‌های ناشی از جنگ تاثیر مستقیم بر سود شرکت خودروسازی «کیا» داشته و به سقوط ۱۲ درصدی سهام این خودروساز در بورس سئول منجر شده است.

«سونگ‌جون کیم»، مدیر ارشد مالی شرکت «کیا» در رابطه با تبعات جنگ با ایران گفت: «پیامدهای جنگ فراتر از خاورمیانه است. هزینه‌های لجستیک نیز به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته و انتظار داریم این وضعیت تا سه‌ماهه چهارم ادامه یابد».

مدیران این خودروسازی روز جمعه اعلام کردند که درگیری‌ها باعث افزایش هزینه مواد اولیه، از جمله سوخت، آلومینیوم و مس شده و حدود ۶۰۰ میلیارد وون، معادل ۴۵۰ میلیون دلار از سود عملیاتی سه‌ماهه سوم آن کاسته است.

سهام کیا تا پایان معاملات روز جمعه در سئول، ۱۲ درصد سقوط کرد و به پایین‌ترین سطح خود از ژوئن ۲۰۲۵ رسید.

این تحولات نشان می‌دهد که تبعات جنگ با ایران، هر قاره را به شکلی تحت تأثیر قرار داده است؛ از افزایش قیمت سوخت در آمریکا و اختلال در تأمین کالا در قاره سبز تا کاهش سود و سقوط سهام شرکت‌های صنعتی در آسیا در پی افزایش هزینه مواد اولیه.

گفت و شنود

کدوم وطن؟!

گفت: یکی از غربگرایان گفته است؛ «ما باید دست ترامپ را قوی می‌کردیم برای اینکه بتواند در یادداشت تفاهم اسلام‌آباد باقی بماند»!

گفتم: ولی خود ترامپ گفت که تفاهم‌نامه اسلام‌آباد کاغذ پاره است و معاونش گفت آن را پاره کردیم و در سطل آشغال انداختیم!

گفت: حالا منظورش از اینکه باید دست ترامپ را قوی می‌کردیم چیست؟!

گفتم: چه عرض کنم؟!

گفت: ترامپ بارها گفته بود که هدف نهائی او براندازی جمهوری اسلامی ایران است، رهبر جهان اسلام را به شهادت رساند، دانشمندان و فرماندهان نظامی و کودکان دبستانی و مردان و زنان ایران را قتل‌عام کرد و... از نظر این آقای غربزده باید دست ترامپ را قوی می‌کردیم که به جنایاتش ادامه بدهد؟! این قماش از غربزده‌ها اصلاً از وطن و ایران و انسانیت چیزی سر در می‌آورند؟!

گفتم: به یارو گفتند با «وطن» جمله بساز. گفت؛ دیروز رفتم حمام «وتنم» را شستم! گفتند؛ منظور ما وطن با «ط» دسته‌دار است. یارو گفت؛ اتفاقاً من هم، تنم را با تی دسته‌دار شستم!

نکته

شرط است یا ترفند؟!

برخی از خبرها حکایت از آن دارند که در جریان تبادل پیام‌ها میان ایران و آمریکا که از طریق میانجی‌های قطری و پاکستانی صورت پذیرفته است، بیشترین اصرار آمریکا آن است که برنامه هسته‌ای کشورمان نیز بخشی از موضوع مذاکرات باشد و در این خصوص پیشنهادهایی نیز ارائه داده‌اند که در حال حاضر بیشترین تاکید آمریکا روی رقیق کردن ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد در ایران و یا در یک کشور ثالث و اجازه بازرسی از تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است و اما، در این سوی ماجرا، مسئولان محترم کشورمان با الهام از دیدگاه هوشمندانه رهبر معظم انقلاب این طرح فریبکارانه را با قاطعیت رد کرده و بر تحقق ۷ شرط پیشنهادی ایران اسلامی تاکید ورزیده‌اند. در این‌باره اشاره به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱- آمریکا و رژیم صهیونیستی با صراحت اعلام کرده بودند که اصلی‌ترین هدفشان از حمله نظامی به ایران، براندازی نظام بوده است و تاکید داشتند که اولاً؛ حداکثر ظرف دو هفته به این خواسته خود خواهند رسید! ثانیاً؛ پس از حمله به ایران، مردم علیه حاکمیت جمهوری اسلامی دست به شورش خواهند زد! و ثالثاً؛ به حیات گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان خاتمه خواهند داد! آمریکا اما، نه فقط به هیچیک از اهداف رسماً اعلام شده خود نرسید، بلکه در تمامی موارد یادشده به نتیجه‌ای معکوس روبه‌رو شد. جمهوری اسلامی ایران نه تنها آسیبی ندید بلکه به چهارمین (و به قول حکیمانه رهبر معظم انقلاب اولین) قدرت بزرگ جهان تبدیل شد. پیش‌بینی دوهفته‌ای جنگ به ۸ ماه کشیده شد و آمریکا هیچ غلطی نتوانست بکند. مردم به حمایت از اسلام و ایران به میادین و خیابان‌ها آمده و بی‌نظیرترین تجمعات تاریخ را رقم زدند که امروز دویست و چهل و هشتمین روز خود را سپری می‌کند. بحران اقتصادی سراسر آمریکا و اروپا را فرا گرفته است. آمریکا و رژیم صهیونیستی به منفورترین دولت‌ها تبدیل شده‌اند و این در تعریف شناخته‌شده نظامی یعنی شکست سخت آمریکا و متحدان غربی و عبری و عربی آن. و اما، برنامه هسته‌ای ایران در میان اهداف اعلام شده آمریکا جایی نداشت و یا دست‌کم این‌که جایگاه برجسته‌ای نداشت و سؤال این است که چرا اکنون به اصلی‌ترین خواسته آمریکا تبدیل شده است؟! بخوانید!

**۲- اصرار آمریکا برای گنجاندن برنامه هسته‌ای کشورمان در قاب «یک شرط» را می‌توان و باید برخا